

بررسی حقوق کودکان در فضای مجازی به بهانه انتشار چند عکس زننده و نامتعارف در اینستاگرام

کودک آزاری واقعی در فضای مجازی



البته توانا | روزنامه نگار

پرونده

هم‌نسل‌های من و قدیمی‌ترها که سال تولدشان به بیش از دو، سه دهه قبل برمی‌گردد، یادگاری‌های تصویری زیادی از کودکی‌شان ندارند؛ فو‌قش چند تا عکس پای تلفن و لب‌باغچه و در حال بغل کردن خواهر، برادر کوچک‌تر. ما از کل دوره کودکی‌مان آن قدر عکس نداریم که بچه‌های امروزی از تولد تا جشن دوماهگی‌شان. حالا همه لحظات مهم و غیرمهم زندگی بچه‌ها ماندگار می‌شود اما این یک‌روی‌ماجر است؛ روی قشنگ‌اش، وجه دیگری هم در کار است؛ عکاسی از فرزند، مدتی است به‌مدور و قایت‌بین‌والدین تبدیل شده است. پای آرایشگاه، آتلیه و مزون مخصوص کودک به میان آمده و

نایب رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفت و گویا زندگی سلام:

استفاده ابرزاری از کودکان، جرم است

«هادی شریعتی»، نایب رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان و حقوق دان، سوالات و ابهام‌های حقوق کودکان در فضای مجازی را پاسخ می‌دهد.

🔴 **مفهوم حریم خصوصی در تصور عموم، حتی بزرگسالان به تلقی می‌شود. شاید به همین دلیل است که والدین، بی‌توجه به این موضوع، زندگی فرزندشان را در فضای مجازی با دیگران به مشارکت می‌گذارند. حریم خصوصی کودکان، جایی و تعریفی در قانون دارد؟**

ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک که دولت ایران نیز به آن پیوسته در باره حریم خصوصی کودکان است؛ در این ماده عنوان شده است که در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات کودک نباید مداخله خودسرانه کرد یا به عزت و آبروی او تعرض کرد. همان‌طور که مشخص است این ممنوعیت در مداخله، شامل والدین هم می‌شود. انتشار زندگی روزمره و خصوصی کودکان از سوی والدین آن‌ها که این روزها فراگیر شده، نمونه بارز نادیده گرفتن این حق اساسی است.

🔴 **افزون بر تعرض به حریم خصوصی کودکان، مسئله استفاده ابرزاری از آن‌ها هم مطرح می‌شود؛ به هر حال پای نفع و هدفی (مادی یا غیر آن) در میان است و کودک، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری هم ندارد.**

استفاده ابرزاری از کودکان در شبکه‌های مجازی چه برای درآمدزایی باشد چه به هدف‌های دیگری مثل شهرت و محبوبیت، شکلی از کودک‌آزاری است. سوءاستفاده از کودکان از سوی هر فردی که رخ دهد، جرم است؛ این سوءاستفاده می‌تواند جنسی یا اقتصادی باشد. در این باره ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌های عضو خواسته است که کلیه اقدامات قانونی و اجرایی را در برابر سوءاستفاده بهره‌کشی از کودکان به کار گیرند. ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۸۱ هم به صراحت بیان می‌کند: «هر نوع اذیت و آزار کودکان که موجب صدمه جسمانی، روانی یا اخلاقی شود و سلامت جسم و روان آن‌ها را به مخاطره اندازد، ممنوع است»، در مواد بعدی این قانون، مجازاتی برای آن تعریف شده است. اغلب کودکانی که در فضای مجازی تبدیل به راهکاری برای تبلیغ و درآمدزایی

چرا عکس می‌گیریم؟

یادگاری‌های ساختگی!

کارکرد عکس یادگاری به آن شکل که نسل پیش تجربه می‌کردند، از بین رفته است. قبلاً تک‌توک عکس‌هایی که از بچه‌ها گرفته می‌شد، هدفش ثبت لحظه و خاطره بود و اگر چه ساده‌ویی کیفیت ولی دقیقاً مطابق هدفش عمل می‌کرد. اصلاً دوربین عکاسی به خانه‌ها آمد تا عکس گرفتن، کاری عمومی و در دسترس شود. حالا دکور آتلیه یادآور کدام خاطره خاص است؟ عکسی که از بین صد تا ژست انتخاب شده، کدام لحظه منحصر به فرد اماندنی کرده است؟ باید قبول کنیم کاری که الان با دوربین انجام می‌دهیم، ساختن لحظه‌هاست نه ثبت آن‌ها و چیزی که از آلبوم‌های امروز به آینده بچه‌ها می‌یابد، یک‌سره تصنعی است؛ والدین، صحنه‌ها و اتفاق‌ها را اگر گردانی کرده‌اند و بچه‌های بزرگ‌شده، بازی، این روش تازه، به‌یشت ظاهر آراسته‌اش، پیامی هم برای بچه‌ها دارد که شاید پدر و مادر به آن آگاه نباشند ولی او حتماً دریافتش می‌کند؛ «زیبایی و خودنمایی، مهم‌ترین ارزش است». نمی‌شود بچه‌ها را مرتب از این آتلیه به آن آتلیه ببریم؛ از این فروشگاه به آن یکی، از این آرایشگاه به سالتی دیگر و مدام او را جلوی دوربین بنشانیم و

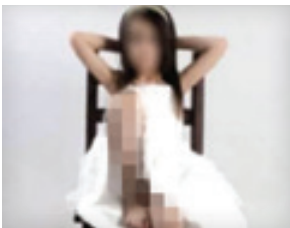
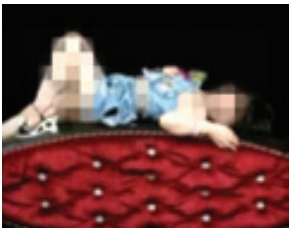
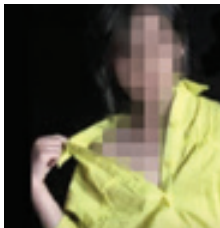


شده‌اند، دایم در حال تجربه آزارهای متعدد جسمی و روانی هستند؛ آن‌ها باید ساعت‌های طولانی مقابل لنز دوربین باشند تا عکس‌های متفاوت و خاصی از شان تهیه شود و همچنین گرم‌های سنگین و آزاردهنده‌ای را تحمل می‌کنند که مصداق بارز کودک‌آزاری مطابق ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است.

🔴 **انتشار عکس‌های کودکان به دلایل مختلف، از ناآگاهی والدین ریشه می‌گیرد و به آموزش نیاز دارد. در موارد خاصی مثل سوژه این پرونده کودک‌آزاری آن قدر محرز است که بیش از آموزش، دخالت قانون را می‌طلبد. کاربران فضای مجازی در چنین مواردی می‌توانند به صورت قانونی ماجرا را پیگیری کنند؟**

عکس‌های منتشر شده از کودکان، غیر از مشکلاتی که برای خود آن‌ها به وجود می‌آورد، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های دیگری نیز شود؛ آسیب‌هایی که والدین این کودکان از آن غافل‌اند و یکی از آن‌ها ایجاد فضای جرم برای بدفیل‌هاست؛ موضوع بسیار مهمی که اگر با این شکل از رفتارها برخورد نشود، فضای جامعه برای همه کودکان ناامن خواهد شد. همان‌طور که در جواب سوال قبل گفتم این نوع سوءاستفاده از کودکان شکلی از کودک‌آزاری است که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آن را تعریف کرده است. طبق ماده ۵ همین قانون، کودک‌آزاری جرم عمومی است و نیاز به شاکی خصوصی ندارد پس هر شهروندی که برای می‌تواند شکایت خود را با عنوان کودک‌آزاری از طریق مراجع قضایی و انتظامی مطرح کند. همچنین دو شماره ۱۲۲ (اورژانس اجتماعی) و ۴۲۱۵۲-۲۱ (صدای ایران- انجمن حمایت از حقوق کودکان) سامانه‌های تلفنی پیگیری کودک‌آزاری هستند. نکته مهم آن که هر چند ما قانونی تحت عنوان جرایم رایانه‌ای در کشور داریم اما با توجه به فراگیر شدن سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی، تدوین قوانین خاصی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

هی‌آزش بخواهیم ژست‌های بهتری بگیرد و در پس همه این‌ها، به او نگوییم تو دقیقاً همین چیزها هستی. به‌ویژه وقتی عکس‌هایش را با دیگران به اشتراک می‌گذاریم و آن‌ها هم دست‌بگذارند روی قشنگی رنگ چشم‌ها و حالت موها و برند لباس‌هایش. پیامدهای گیر انداختن بچه‌ها در فرایند پرزحمت و بعضاً مضر عکاسی، ربطی به نیت و انگیزه والدین ندارد. فرقی ندارد والد، عکس‌های فرزندش را برای عقب‌نماندن او از قافله هم‌سالانش منتشر می‌کند یا جا نماندن خودش از مد؛ درآمدی را که از عکس‌های بچه‌اش به دست می‌آورد، خرج خودش کند یا برای او پس‌انداز کند؛ دنبال استفاده از همه امکانات موجود برای فرزندش باشد یا توجه خردین برای خودش؛ آسپیی که عقل، قانون و روان‌شناسی پیش‌بینی می‌کند، ناگزیر است. اگر چه در این پرونده، از حقوق کودکان و وظیفه والدین گفتم اما مخاطب‌مان فقط والدین نبوده‌اند. در بحث حقوقی ماجرا گفتیم به عنوان شهروندی که کاربر فضای مجازی، اگر احتمال کودک‌آزاری می‌دهیم لازم است به مراجع قانونی اطلاع بدهیم. به علاوه، لازم است بدانیم با دنبال کردن صفحاتی که برای بچه‌های خوش‌سروبان و خوش‌تیپ ساخته شده است، در تعرض به حقوق آن‌ها سهیم هستیم؛ نگاه و تعریف و تمجید‌های ما به معنای تأیید رفتار اشتباه والدین و در حکم مشوقی برای آن‌هاست.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸
۲۴ شعبان ۱۴۴۰ ۳۰ آوریل ۲۰۱۹
شماره ۳۰۰۸۶

۱۳۰۹

چرا ویدئوی اتفاق عجیب در بازی لیدز یونایتد و استون ویلا را همه مربی‌ها و طرفداران فوتبال باید ببینند؟

گل نه، لطفا جوانمردی را در زمین بکارید!

مجید حسین‌زاده | روزنامه نگار

اتفاق جالب دیدار دو تیم لیدز یونایتد و استون ویلا که ویدئوی آن جزو پربازدیدترین پست‌های ۴۸ ساعت گذشته فضای مجازی در دنیا شده است، به یکی از ماندگارترین و پرحاشیه‌ترین بازی‌های تاریخ چمپیونشیپ تبدیل شد. واضح است که در مستطیل سبز، همه تیم‌ها به دنبال بردن هستند و گاهی برای یک قهرمانی یا صعود به لیگ بالاتر باید ماه‌ها و حتی سال‌ها برنامه‌ریزی و تلاش کنند. با این همه، یک اصل مهم در فوتبال وجود دارد که انتظار می‌رود نتیجه گرفتن و چشیدن طعم شیرین برد را به او لویت دوم تبدیل کند، اصلی به نام اخلاق و جوانمردی. موضوعی که در همه دنیا ستودنی و به نوعی، زبان مشترک همه انسان‌هاست. در ادامه بعد از مروری بر ماجرای این ویدئو، خواهیم گفت که چرا باید هم‌بریان فوتبال در کشور ما هم طرقداران و آتلیشه تیم‌های آبی، قرمز، زرد... و این ویدئو را بارها ببینند.

🔴 **اهمیت رفتار مربی لیدز ستودنی است**



شاید این گونه به نظر برسد که برای یک تیم دسته دومی، هیچ ارزشی بالاتر از صعود به لیگ برتر جزیره نباشد اما بازیکنان تیم لیدز یونایتد در انگلیس، به دلیل رعایت جوانمردی از برنده شدن و صعود دست کشیدند. در بازی که لیدز تنها به یک برد با یک گل زده برای صعود به لیگ برتر نیاز داشت و ۷۰ دقیقه نتوانسته بود قفل دروازه حریف را بگشاید، اتفاقی افتاد که شاید برای همیشه در تاریخ فوتبال به یادگار بماند. در دقیقه ۷۲ این بازی و در حالی که بازیکنان استون ویلا انتظار داشتند، لیدز یونایتدی‌ها به دلیل مصدومیت بازیکن حریف بازی را متوقف کنند، هافبک لیدز با یک پاس در عمق، زمینه‌ساز به‌ثمر رسیدن گل تیم‌اش شد. گلی که خیلی زود باعث درگیری بین بازیکنان دو تیم شد اما از لحاظ قانونی، هیچ مشکلی نداشت و جواز صعود لیدز را هم در حضور تماشاگران خودی امضا کرده بود اما این پایان ماجرا نبود. هر تیم‌یک مربی دارد که او باید حرف آخر را بزند. «بیلسا» مربی تیم لیدز بر خلاف نظر بعضی از بازیکنانش دستور داشت تیم‌شان یک گل الکی نخورد و بازی دوباره مساوی شود. ارزش یک مربی کار کشته و کاپیتان با تجربه در این مواقع مشخص می‌شود و اگر نه فوتبال ورزشی است که هر لحظه توان تبدیل شدن به یک جنگ تمام‌عیار را دارد. شاید اگر این بازی ادامه پیدا می‌کرد، نه تنها در زمین که روی سکوها هم بدترین خطرات جان تماشاگران را تهدید می‌کرد اما درست است که مربی لیدز، کار تیم‌اش را برای صعود به لیگ برتر جزیره به‌امان و اگر گشادنا باعث نشد که این دو تیم و طرفداران‌شان برای همیشه تاریخ به دشمنانی تشنه به خون یکدیگر تبدیل شوند. بله، این بازی با همین نتیجه مساوی تمام شد و لیدز که صعودش در دست خودش بود، حالا باید در پلی‌آف حضور در لیگ برتر بی‌جنگ اما مان این تیم برای همیشه در تاریخ فوتبال دنیا ماندگار شد. ماندگاری که با صعود به لیگ برتر، تنها یک روز، یک هفته یا شاید یک ماه شیرین بود ولی حالا سال‌ها و شاید قرن‌ها، شیرین بماند.

🔴 **ای کاش و صدای کاش...**

کاش مربیان و بزرگ‌ترهای تیم‌های لیگ برتر در ایران، از اهمیت نقش و تأثیرگذاری‌شان برای مهم‌تر شدن اخلاق و جوانمردی در مستطیل سبز، بیشتر و بیشتر آگاه شوند تا لذت بردن از فوتبال در حاشیه دعوها و حاشیه‌ها قرار نگیرند. کاش تماشاگران به این درک برسند که بردن به هر قیمتی خوب نیست و هواداران تیم حریف هم مردمی هستند از جنس خودشان با کمی اختلاف سلیقه در موضوع طرفداری از یک تیم فوتبال. کاش یک بزرگ‌تر در بعضی تیم‌ها باشد و به بازیکنان بگوید که ترساندن تیم حریف بابت بازی برگشت، جو بدی در ورزشگاه‌ها به راه خواهد انداخت و ممکن است دودش در چشم همان بازیکن برود. مثلاً شاید یک سنگی بیاید و بر سر همان بازیکن بخورد! کاش یک نفر باشد که اخلاق و جوانمردی را به ورزشگاه برگرداند تا همه نگران بازی‌های مهم لیگ به خصوص در این چند هفته پایانی نباشند. ای کاش و صدای کاش....



با اسکن این کد می‌توانید کلیپ این اتفاق جالب را تماشا کنید